

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نوری مفیدی

موضوع کلی: قاعده لاضرر

تاریخ: ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۹۳

موضوع جزئی: ادله: روایات - طائفه پنجم، ششم و هفتم

مصادف با: ۱۱ ربیع الاول ۱۴۳۶

جلسه: ۱۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

آخرین دلیل روایات بود. تا این جا به چهار طائفه از روایات اشاره کردیم و معلوم شد بعضی از این روایات صلاحیت استناد دارند و برخی ندارند، سه طائفه دیگر باقی مانده که در این جلسه بیان خواهیم کرد.

طائفه پنجم

در برخی روایات ثبوت برخی از تکالیف معلل به عدم ضرر و یا نفی برخی از تکالیف معلل به ضرر شده، این روایات در ابواب مختلف فقهی وارد شده و کثیر است مخصوصاً در ابواب عبادات از جمله باب صوم، زکات، حج و طهارت که فقط به چند نمونه از این روایات اشاره می کنیم، البته این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که بعضی از این روایات از نظر سندی قابل بحث هستند اما ما وارد این بحث نمی شویم.

روایت اول

«عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ مَا يَجِبُ عَلَى الْمَرِيضِ تَرْكُ الصَّوْمِ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْمَرَضِ أَضَرَّ بِهِ الصَّوْمُ فَهُوَ يَسَعُهُ تَرْكُ الصَّوْمِ»^۱

علی ابن جعفر از موسی بن جعفر (ع) نقل می کند که من سؤال کردم از آن حد و مقداری که بر مریض واجب است صوم را ترک کند. امام (ع) فرمودند: هر مرضی که صوم برای آن ضرر داشته باشد و به شخص ضرر وارد کند می تواند، آن را ترک کند، سائل از حد آن مرضی که به واسطه آن ترک صوم واجب می شود سؤال کرده، امام (ع) پاسخ داده اند که هر مرضی که صوم برای آن موجب ضرر شود، شخص می تواند روزه را ترک کند. این جا تکلیف به صوم نفی شده و علت نفی تکلیف ضرری است که به واسطه صوم برای صائم پیش می آید. پس در این جا نفی یک تکلیف به ضرر معلل شده است.

روایت دوم

«وَعَنْهُ ص أَنَّهُ قَالَ: فِي الرَّجُلِ تَجِبُ عَلَيْهِ زَكَاةٌ فِي مَالِهِ فَلَمْ يُخْرِجْهَا حَتَّى حَضَرَهُ الْمَوْتُ فَأَوْصَى أَنْ تُخْرَجَ عَنْهُ أَنَّهَا تَخْرُجُ مِنْ جَمِيعِ مَالِهِ إِلَّا أَنْ يُوصَى بِإِخْرَاجِهَا مِنْ ثُلْثِهِ هَذَا إِذْ عَلِمَ ذَلِكَ وَإِنْ عَلِمَ مِنْهُ أَنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَضُرَّ بَوْرَثَتَهُ وَيَتَلَفَ مِيرَاثَهُمْ لَمْ يَجْزِ ذَلِكَ إِلَّا مِنْ ثَلَاثِهِ إِلَّا أَنْ يَجِيزَهُ الْوَرِثَةُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ»^۲

روایت در مورد مردی است که زکات برای واجب بوده ولی تا وقت مرگ پرداخت نکرده، حال قبل از مرگ وصیت کرده که زکات را از اموال او بپردازند، امام (ع) می فرمایند: زکات از همه مالش داده می شود و دینی است که باید پرداخت شود، مگر این که وصیت کرده باشد که از ثلث مالش پرداخت شود، لکن یک مورد را استثنا می کند، می فرماید اگر دانسته شود و

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۴۴، ح ۱۴ / دعائم الاسلام، ص ۲۴۸.

معلوم باشد که شخص با این وصیت در صدد اضرار به ورثه بوده یعنی این اموال به نوعی به آنها به ارث نرسد، در این صورت چنان چه مقدار زکات زائد بر ثلث باشد آن گاه باید ورثه اجازه دهند، اگر اجازه دادند اشکالی ندارد و الا جائز نیست و زائد بر ثلث داده نمی شود.

در این جا تکلیف زکات یک دینی است بر شخص که باید پرداخت شود، اما وجوب اداء زکات تا حدی است که ضرر به ورثه نرساند. البته موصی به خاطر عدم پرداخت زکات معاقب هست، لکن در باب وصیت این مقدار نافذ نیست.

روایت سوم

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ ضَرِيرُ الْبَصَرِ وَأَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ أَكْتَحِلُ إِذَا أَحْرَمْتُ قَالَ لَا وَلِمَ تَكْتَحِلُ قَالَ إِنِّي ضَرِيرُ الْبَصَرِ فَإِذَا أَنَا أَكْتَحَلْتُ نَفَعَنِي وَإِذَا لَمْ أَكْتَحِلْ ضَرَّرَنِي قَالَ فَالْكُحْلُ مَعَ الْكُحْلِ غَيْرُهُ قَالَ مَا هُوَ قَالَ أَخَذُ خِرْقَتَيْنِ فَأَرْبَعُهُمَا فَأَجْعَلُ عَلَى كُلِّ عَيْنٍ خِرْقَةً وَأَعْصِبُهُمَا بِعَصَابَةٍ إِلَى قَفَايَ فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ نَفَعَنِي وَإِذَا تَرَكْتُهُ ضَرَّرَنِي قَالَ فَاصْنَعْهُ»

کسی چشمش ضعیف بوده، راوی می گوید من در آنجا حاضر بود فردی از امام (ع) سؤال کرد زمانی که من محرم شدم آیا می توانم سرمه به چشمم بمالم؟ امام (ع) فرمود: برای چه سرمه می کشی؟ او عرض کرد، چشم من بیمار است و ضعف بینائی دارد چنانچه سرمه بکشم برای من مفید و نافع است و اگر سرمه نکشم برای من ضرر دارد، امام (ع) فرمودند: اشکال ندارد و می توانی سرمه بکشی. اتفاقاً در ادامه این روایت سؤال دیگری نظیر این می پرسد، که ظاهراً برای جلوگیری از تابش مسقیم نور خورشید، دو چیز روی چشم خود می بست و این را بواسطه نخى به پشت سرش متصل می کرده و پوشش روی صورت ایجاد می نمود. پرسید که این کار را انجام بدهم؟ امام (ع) فرمودند: برای چه این کار را انجام می دهی؟ گفت: برای این که برای چشمم نافع است و اگر این کار را نکنم ضرر دارد. امام (ع) فرمودند: اشکالی ندارد.

این جا دو کار که برای محرم در زمان احرام شرعاً جائز نیست به واسطه ضرر حرمت آن برداشته شده.

روایت چهارم

«مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ (ع) عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَهُوَ مَرِيضٌ قَالَ تَرْتُهُ مَا دَامَتْ فِي عِدَّتِهَا وَإِنْ طَلَّقَهَا فِي حَالِ إِضْرَارٍ فَهِيَ تَرْتُهُ إِلَى سَنَةٍ فَإِنْ زَادَ عَلَى السَّنَةِ يَوْمًا وَاحِدًا لَمْ تَرْتُهُ وَتَعْتَدُ مِنْهُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا»

از امام (ع) در مورد مردی که در حال مرض زنش را طلاق داده پرسیدم که این چگونه است؟ امام (ع) فرمودند: اگر قبل از فوت او را طلاق دهد آن زن تا زمانی که در عده وفات است ارث می برد. چون به طور طبیعی در عده وفات ارث می برد، این در صورتی است که طلاق به قصد ضرر و این که او را از ارث محروم کند نباشد، اما اگر او را به قصد ضرر طلاق داده و سپس از دنیا برود، امام (ع) می فرماید: تا یک سال از او ارث می برد، ولی اگر حتی یک روز از این یک سال بگذرد ارث نمی برد یعنی اگر فاصله طلاق تا مرگ یک سال باشد در این یک سال زن ارث می برد و لو خارج از ایام عده طلاق باشد.

به حسب این روایات بعضی احکام برداشته شده و این معلل به ضرر شده و بعضی احکام ثابت شده چون ضد نداشته است.

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۵۳، ح ۳.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۲۴، ح ۹ / استبصار، ج ۳، ص ۴۱۳، ح ۱۰۹۰ / تهذیب، ج ۸، ص ۷۳، ح ۲۶۷ / من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۰۵، ح ۱۶۹۴.

بعضی روایات نهی از اضرار به غیر می کنند، این هم در ابواب مختلف فقهی وارد شده. از جمله در مورد چشمه، قنات، سنگ آسیاب، باز کردن در خانه در کوچه و طریق و راه عبور و مرور مردم، این روایات یا صریحاً و بالمطابقه نهی از اضرار به غیر کرده یا بالملازمه دال بر حرمت اضرار به غیر است، در این طائفه چند روایت وجود دارد که چند نمونه را در این جا بیان می کنیم.

روایت اول

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ (ع) رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ قَنَاةٌ فِي قَرْيَةٍ فَأَرَادَ رَجُلٌ أَنْ يَحْفَرَ قَنَاةً أُخْرَى إِلَى قَرْيَةٍ لَهُ كَمْ يَكُونُ بَيْنَهُمَا فِي الْبُعْدِ حَتَّى لَا يُضِرَّ بِالْأُخْرَى فِي الْأَرْضِ إِذَا كَانَتْ صُلْبَةً أَوْ رِخْوَةً فَوَقَّعَ (ع) عَلَى حَسَبِ أَنْ لَا يُضِرَّ إِحْدَاهُمَا بِالْأُخْرَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ وَكَتَبْتُ إِلَيْهِ (ع) رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ رَحَى عَلَى نَهْرٍ قَرْيَةٍ وَ الْقَرْيَةُ لِرَجُلٍ فَأَرَادَ صَاحِبُ الْقَرْيَةِ أَنْ يُسَوِّقَ إِلَى قَرْيَتِهِ الْمَاءَ فِي غَيْرِ هَذَا النَّهْرِ وَيُعْطَلَ هَذِهِ الرَّحَى أَلَهُ ذَلِكَ أَمْ لَا فَوَقَّعَ (ع) يَتَّقَى اللَّهُ وَ يَعْمَلُ فِي ذَلِكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يَضُرُّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ^۱»

سؤال کردند از امام (ع) در مورد مردی که قناتی در یک قریه ای دارد، آن گاه شخص دیگری می خواهد قنات دیگری را در آن جا احداث و حفر کند، البته فاصله ای هم بین این دو قنات وجود دارد، حال اگر حفر قنات دوم به گونه ای نباشد که ضرر به اولی بزند (اعم از این که این زمین سخت یا سست باشد) حکمش چیست؟ امام (ع) می فرماید: اشکالی ندارد به شرط این که ضرر به دیگری نرساند، بعد در ادامه نظیر این سؤال را در مورد سنگ آسیاب می کند که شخصی سنگ آسیابی داشته آبی داشته و آن آب گاهی برای این سنگ آسیاب استفاده می شده، سؤال شده آیا می تواند از این آب استفاده کند؟ امام فرمودند: در این مورد خدا را در نظر بگیرد و این کار را انجام دهد و ضرر به برادر مؤمن خود نرساند.

روایت دوم

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ أَضَرَ بِشَيْءٍ مِنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ^۲»

کسی که در طریق و راه مسلمین کاری کند که به واسطه آن خسارتی به دیگری برسد او ضامن است. این روایت بالملازمه دلالت بر حرمت اضرار به غیر می کند، چون در این روایت ضامن ثابت شده و ثبوت ضامن بالملازمه دلالت بر حرمت اضرار به غیر می کند.

روایت سوم

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحَوِّلَ بَابَ دَارِهِ عَنْ مَوْضِعِهِ أَوْ يَفْتَحَ مَعَهُ بَاباً غَيْرَهُ فِي شَارِعِ مَسْلُوكٍ نَافِذٍ فَذَلِكَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَتَبَيَّنَ أَنَّ فِي ذَلِكَ ضَرراً بَيْناً وَ إِنْ كَانَ فِي رَائِقَةٍ سِكَتٍ غَيْرِ نَافِذَةٍ لَمْ يَفْتَحْ فِيهَا بَاباً وَ لَمْ يَنْقُلْهُ عَنْ مَكَانِهِ إِلَّا بِرِضَى أَهْلِ الرَّائِقَةِ^۳»

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۹۴، ح ۵ / من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۶۵۹ / تهذیب، ج ۷، ص ۱۳۲، ح ۶۴۷ / وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۴۳۱.

۲. کافی، ج ۷، ص ۳۴۵، ح ۳ / وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۲۴۱.

۳. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۵۰۵، ح ۱۸۱۰ / مستدرک، ج ۱۷، ص ۱۳۰.

در این روایت هم امام (ع) می فرماید: کسی که می خواهد در خانه اش را تغییر دهد یا در ب دیگری غیر از آن در را در طریق و راهی که محل رفت آمد است باز کند می تواند این کار را کند مگر این که معلوم شود در این کار یعنی فتح الباب ضرر آشکاری برای دیگران باشد، حد این جواز، ضرر به غیر است.

طائفه هفتم

طائفه هفتم، روایاتی است که دلالت بر حرمت اضرار به نفس می کند. روایاتی در این مورد وارد شده اما از نظر کثرت به اندازه حرمت اضرار به غیر نمی رسد.

روایت اول

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ الْجَارَ كَالنَّفْسِ غَيْرَ مُضَارٍّ وَلَا آئِمٍّ»

در این روایت امام (ع) می فرماید: جار مثل نفس است و نمی توان به آن ضرر رساند. این یک جمله خبریه است که در واقع به معنای لایجوز اضرار علی الجار کالنفس می باشد، این جا آنچه که محل بحث است این است که اضرار به جار تشبیه به اضرار به نفس شده، یعنی مشبه به را مفروغ عنه گرفته و از آن جا که حرمت اضرار به نفس امری مسلم است بنابراین اضرار به جار را تشبیه به اضرار به نفس کرده و لذا حرام است.

روایت دوم

«فَأَمَّا مَا يَحِلُّ وَيَجُوزُ لِلإِنْسَانِ أَكْلُهُ مِمَّا أَخْرَجَتِ الأَرْضُ فَثَلَاثَةٌ صُنُوفٍ مِنَ الأَغْذِيَةِ صِنْفٌ مِنْهَا جَمِيعُ الحَبِّ كُلُّهُ مِنَ الحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ الأَرْزِ وَ الحِمَصِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ صُنُوفِ الحَبِّ وَ صُنُوفِ السَّماسِمِ وَ غَيْرِهَا كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الحَبِّ مِمَّا يَكُونُ فِيهِ غِذَاءُ الإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ وَ قُوَّتُهُ فَحَلَالٌ أَكْلُهُ وَ كُلُّ شَيْءٍ تَكُونُ فِيهِ المَضْرَةُ عَلَى الإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ فَحَرَامٌ أَكْلُهُ إِلا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ وَ الصَّنْفُ الثَّانِي مِمَّا أَخْرَجَتِ الأَرْضُ مِنْ جَمِيعِ صُنُوفِ الثَّمَارِ كُلِّهَا مِمَّا يَكُونُ فِيهِ غِذَاءُ الإِنْسَانِ وَ مَنْفَعَةٌ لَهُ وَ قُوَّتُهُ بِهِ فَحَلَالٌ أَكْلُهُ وَ مَا كَانَ فِيهِ المَضْرَةُ عَلَى الإِنْسَانِ فِي أَكْلِهِ فَحَرَامٌ أَكْلُهُ وَ الصَّنْفُ الثَّالِثُ جَمِيعُ صُنُوفِ البُقُولِ وَ النَّبَاتِ وَ كُلُّ شَيْءٍ تُنْبِتُ الأَرْضُ مِنْ البُقُولِ كُلِّهَا مِمَّا فِيهِ مَنْفَعٌ لِلإِنْسَانِ وَ غِذَاءٌ لَهُ فَحَلَالٌ أَكْلُهُ وَ مَا كَانَ مِنْ صُنُوفِ البُقُولِ مِمَّا فِيهِ المَضْرَةُ عَلَى الإِنْسَانِ فِي أَكْلِهِ نَظِيرَ بُقُولِ السَّمُومِ القَاتِلَةِ وَ نَظِيرِ الدَّفْلَى وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ صُنُوفِ السَّمِّ القَاتِلِ فَحَرَامٌ أَكْلُهُ»

این روایت از امام صادق (ع) است که در آن صنوف اغذیه بیان شده، امام (ع) در هر سه صنف از اغذیه می فرماید: كُلُّ شَيْءٍ تَكُونُ فِيهِ المَضْرَةُ عَلَى الإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ فَحَرَامٌ أَكْلُهُ إِلا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ، هر چیزی که به نوعی اکل آن برای انسان ضرر داشته باشد حرام است. جمع بندی این روایات و ادله را در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۹۲، ح ۱ / تهذیب، ج ۷، ص ۱۴۶، ح ۳۵.

۲. تحف العقول، ص ۳۳۷ / وسائل، ج ۲۴، باب ۴۲ از ابواب اطعمه مباحه، ح ۱.